

تعامل مسجد، مدرسه و خانواده در تحقق تربیت اسلامی

مرضیه ملی نژاد اسپر^۱

^۱ طلبه سطح ۳ مرکز آموزش های غیرحضوری قم و معاون سابق پژوهش مدرسه علمیه حضرت بی بی حکیمه (س) گچساران

چکیده

مسجد از صدر اسلام تاکنون به عنوان مرکز مهم تعلیم و تربیت از جایگاه و منزلت بالایی در میان مسلمانان برخوردار است؛ لازمه تحقق اهداف تربیتی اسلام، همگرایی ارکان تربیتی جامعه اسلامی است. تعامل مدرسه، خانواده و مسجد، موجب هم-افزایی و تسهیل تحقق اهداف تربیتی اسلام می گردد. حال سوال این است که تعامل مسجد، مدرسه و خانواده در تحقق تربیت اسلامی چگونه باید باشد؟ برای پاسخ به این سوال، تحقیق موردنظر از طریق روش توصیفی – تحلیلی و با شیوه کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و این نتایج حاصل شد که تلاش جهت شناساندن امکانات، اهداف، ظرفیت‌ها، اقتضائات و محدودیت‌ها از سوی مسجد، مدرسه و خانواده به یکدیگر و تلاش جهت نزدیک کردن اهداف و هم‌جهت نمودن رویه‌ها و اقدامات و اشتراک منبع باید مدنظر قرار گیرد. به تبع افتراق ساختاری نهاد مسجد با مدرسه، شروع تعامل فی‌مابین نیازمند انجام زمینه‌سازی و اعتمادسازی در مسجد، مدرسه و خانواده در حوزه تربیت کودک و نوجوان است که باید در راستای اعتمادسازی، رابطه‌ای حسنه را با مدیر و معلمان مدرسه برقرار و سپس اعتماد خانواده را جلب کرد. همچنین تلقی مدیر و کادر مدرسه باید به گونه‌ای شکل بگیرد که اولاً اهداف ایشان در راستا و تسهیل‌کننده تحقق اهداف مدرسه باشد و ثانیاً مربیان تربیتی مساجد به عنوان افراد شایسته و قابل اعتمادی برای تعامل در راستای تحقق این اهداف مدنظر قرار بگیرند؛ از سوی دیگر خانواده‌ها لازم است کادر تربیتی مسجد را به عنوان همیار تربیتی جهت کمک به آنها در راستای تربیت فرزندانشان محسوب کنند.

واژه‌های کلیدی: مسجد، خانواده، مدرسه، تربیت اسلامی

۱. مقدمه

مسجد، جایگاه مقدس و پایگاه مذهبی مسلمانان از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بسیار غنی و از لحاظ جغرافیایی در سراسر جامع اسلامی گستره وسیعی را به خود اختصاص داده است؛ این خصوصیات است که مساجد در جوامع اسلامی می‌توانند کارکردهای متنوعی داشته باشند. اسلام مکتب تعلیم و تربیت و به کمال رساندن انسان‌هاست، بنابراین مسجد از صدر اسلام مرکز تعلیم و تربیت بوده و این در دوره‌های مختلف و در گذر زمان مورد توجه قرار گرفته است [۱].

موضوع تعلیم و تربیت از موضوعات اساسی نظام اسلامی است. در این حوزه، مهم‌ترین مصداق همکاری بین بخشی، ارتباط مدرسه (به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیت رسمی)، مسجد (به عنوان اصیل‌ترین نهاد تربیتی جامعه اسلامی) و خانواده (طبیعی-ترین و پایدارترین نهاد) است؛ این سه نهاد را می‌توان به مثابه سه ضلع مثلث تربیتی قلمداد کرد. با توجه به وحدت تربیت رسمی و تربیت غیررسمی در هدف و نیز لزوم هماهنگی آن‌ها باید این دو نوع تربیت، دو بخش مکمل و هم‌سو تلقی شوند که ضمن تعامل سازنده با هم، یکدیگر را در تحقق غایت و اهداف مشترک یاری کنند. همکاری و هم‌افزایی اضلاع تربیتی (مسجد، مدرسه و خانواده)، مهم‌ترین راهکار در راستای ارتقای تعامل مسجد، کودک و نوجوان است و این موضوع مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز می‌باشد.

در صورتی‌که این همکاری برقرار نباشد، جامعه، متولیان و مخاطبان تربیت با چند مشکل مواجه می‌شوند: اولاً برخی ابعاد تربیتی ذاتاً در محیطی غیررسمی امکان تحقق دارند و اگر نظام تربیتی کشور منحصر در تربیت رسمی باشد، بدیهی است تحقق اهداف تربیت اسلامی امکان‌پذیر نخواهد بود. از سوی دیگر هر یکی از این نهادها، ظرفیتهایی جهت پرکردن خلأهای نهاد دیگر دارند که عدم ارتباط منسجم، امکان استفاده از این ظرفیت‌ها را میسر نمی‌کند [۲].

با وجود اهمیت بالای همکاری اضلاع تربیتی "مسجد، مدرسه و خانواده"، تعامل این سه نهاد با یکدیگر در سطح پایینی است. بنابراین باید ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط و تأثیرگذار بر تعامل مسجد، مدرسه و خانواده مورد بررسی قرار گیرد تا راهکار جهت افزایش این تعامل سه‌گانه و بهبود آن ارائه گردد.

تحقیق مورد نظر به دنبال بررسی تعامل مسجد، مدرسه و خانواده در تحقق تربیت اسلامی است که به روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای انجام می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲- مسجد: در اصل اسم مکان از فعل "سَجَدَ، یَسْجُدُ" و در زبان فارسی به معنای محلّ و جایگاه عبادت به کار رفته است. راغب اصفهانی می‌نویسد: "المَسْجِدُ مَوْضِعُ الصَّلَاةِ اِعْتِبَاراً بِالسَّجْدَةِ؛ یعنی مسجد، جایگاه نماز است و به اعتبار اینکه در آن سجده وجود دارد". سجده، شریف‌ترین رکن نماز و مظهر تامّ بندگی و کَرَنش عبد، در برابر پروردگار متعال است، از این‌رو، اسم آن را مسجد گذاشته‌اند. در اصطلاح شرعی، "مسجد، مکانی است که برای برپایی نماز عموم مسلمانان وقف شده باشد" [۳].

۲-۲- مدرسه: نظام آموزش و پرورش، الگوی کلی نهادها، مؤسسات و سازمان‌های رسمی جامعه است که تحقق هدف‌های چندگانه انتقال میراث فرهنگی و شکوفاسازی آن، پرورش همه جانبه فرد و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص را برعهده دارد؛ می‌توان گفت مدرسه پدیده‌ای مدرن است که در گذشته به نحوی دیگر و در چارچوب فکری- فرهنگی خاصی وجود داشت. دنباله این نهاد را باید در مسجد - مدرسه‌های قدیم جستجو کرد. با ورود اسلام به ایران، شکوفایی دانش، افزایش یافته و مراکز علمی و آموزشی بسیاری پدید آمد که تداوم سنت تشکیل حلقه‌های بحث و درس در مسجد بودند، اما سرانجام با توجه به شمار فراوان طلاب، تقابل میان کارکرد مذهبی و آموزشی مساجد و مشکلات ناشی از آن، بنایی مستقل برای آموزش در نظر گرفته می‌شود و فضای مدرسه در معماری اسلامی شکل می‌گیرد. پس مدارس، از منفک‌شده‌های مساجد هستند [۲].

۳-۲- خانواده: برطرف کننده نیاز اجتماعی و تکاملی و بستر بهبود وضعیت بشر است و در نظر قرآن، اساس آن بر دوستی و محبت و حقوق برابر شوهر و همسر بنا شده است [۴].

۳. نقش‌ها و کارکردهای مسجد

۳-۱- کارکرد عبادی

برای کیفیت یافتن نماز، آن را در مسجد و به جماعت برگزار کنید؛ کیفیت یافتن نماز بدین معنی است که نماز، با حال و حضور ادا شود؛ نمازگزار به نماز با چشم «میعاد ملاقات با خدا» بنگرد و در آن، با خدای خود سخن بگوید و خود را در حضور او ببیند؛ نماز را تا می‌تواند در مسجد و تا می‌تواند به جماعت بگذارد. نماز در مسجد و با جماعت مؤمنان، بارش رحمت الهی را انبوه‌تر و دلنشین‌تر می‌سازد؛ نماز در مسجد و با جماعت مؤمنان، همگانی نشستن بر گرد سفره میهمانی خداوند است، و این خود، بارش رحمت الهی را انبوه‌تر و دلنشین‌تر می‌سازد. مسجد فقط برای نماز نیست؛ در مسجد انواع عبادات از جمله تفکر وجود دارد؛ مسجد فقط برای نماز نیست؛ در مسجد انواع عبادات هست. از جمله آن عبادات، تفکر است که «تفکر ساعة خیر من عبادة سنة»، یا در بعضی از روایات است که «من عبادة اربعین سنة»، یا «سبعین سنة» _ البته فکر کردن درست_ افراد مسجد برو، این فکر را به وسیله شنیدن سخنان عالم دین و فقیه به دست می‌آورند.

در مساجد، تلاوت قرآن، انس با قرآن، انس با ادعیه‌ی وارده از اهل بیت (ع)_ که گنجینه‌ی معارف اسلامی است_ را غنیمت بشمرید [۵].

۳-۲- کارکرد فرهنگی

مسجد در صدر اسلام به عنوان اولین و با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی دارای وظایف و کارکردهایی بود، به گونه‌ای که افزون بر مهم‌ترین کارکرد آن عبادت، فعالیت‌های آموزشی، نظامی و سیاسی نیز در آن جریان داشت. مساجد بزرگ بعدی به ویژه در سده‌های میانه، فعالیت‌های گسترده‌تری از فعالیت‌های غیرعبادی یافتند. مسجد نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مؤمنان برای برگزاری مراسم مورد استفاده بود، بلکه کانون معارف و احکام اسلامی، مرکز جهاد تبلیغاتی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می‌رفت. همچنین فعالیت‌های آموزشی، خدمات اجتماعی، نظامی، قضایی و فرهنگی نیز در مساجد صورت می‌گرفت که همه‌ی آنها با الگوبرداری از مسجد نبی اکرم (ص) شکل گرفته‌اند [۶].

۳-۳- کارکرد سیاسی-اجتماعی

اینکه اهل یک بلد در مساجد مجتمع شوند و مشکلات خود را حل کنند، یک امر اجتماع - سیاسی است؛ این جماعات در تمام کشورها مسلمین، و در هر شهر و ده و روستا، اینها یک امور اجتماعی - سیاسی است که اهل یک بلد در مساجد مجتمع شوند و مشکلات خودشان را نسبت به آن بلد حل کنند. در مسجد پیغمبر، مسائل سیاسی اجتماعی بیشتر از مسائل عبادی نماز و روزه بود؛ مسجد النبی، مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده است. این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر (ص) همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده است. هر وقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را [۵].

۳-۴- کارکرد آموزشی

روزگاری مسجد، یگانه پایگاه مهم آموزشی در کشورهای اسلامی بوده است. متأسفانه مسئله آموزش از مساجد کم‌رنگ شده و مناسب است با برنامه‌ریزی و متناسب با امکانات موجود و استفاده از کارشناسان، برنامه‌هایی از قبیل: آموزش احکام و قرآن،

مخصوصاً برای بانوان و نوجوانان و پاسخ به سوالات و شبهات برگزار گردد. جایگاه جلسات علمی و آموزشی در مسجد از نگاه پیامبر اکرم (ص) به مراتب والاتر و ارجمندتر از جلسات دعا بود [۱].

امروزه به باور بسیاری از اندیشمندان اسلامی، کارکرد مساجد در حوزه‌ی آموزش را نباید از نظر دور داشت. مساجد امروزه علاوه بر اینکه همچنان به عنوان اولین و اصلی‌ترین مرکز آموزش مفاهیم متعالی عبادی و احکام اسلامی هستند، با الگو گرفتن از پیشینه‌ی کارکردهای آموزشی مسجد می‌توان برای این عصر نیز جایگاه آموزشی مسجد را تقویت کرد. آموزش قرآن و پاسخ به سوالات مذهبی که هم اکنون در بسیاری از مساجد صورت می‌پذیرد، رایج‌ترین بخش کارکرد آموزشی مساجد است. فعال کردن کتابخانه‌های مساجد که پیشینه‌ی زیادی دارند نیز در مرکزیت قرار دادن مسجد به عنوان نهادی آموزشی بسیار مؤثر است.

درباره‌ی ساخت کتابخانه در مساجد باید گفت اولین بار در زمان پیامبر (ص)، قسمت‌هایی از آموزش‌های آن حضرت به صورت متورق نوشته و در مسجد ضبط می‌شد. از اواسط قرن اول هجری وقف کتاب به مساجد معمول و ساخت محلی در مسجد برای نگهداری کتاب مرسوم شد. هم اکنون نیز مساجد با غنا و تنوع بخشیدن به کتابخانه‌های خود نقش مهمی در بخش آموزشی ایفا خواهند کرد. برگزاری کلاس‌های مختلف آموزشی علوم غیردینی از جمله کلاس‌های آموزش علوم نجوم، پزشکی و کمک‌های اولیه و اخلاق در مساجد خاصه در ایام تابستان از کارکردهای معمول آموزشی امروزه بسیاری از مساجد است. با توجه به اینکه در عصر تکنولوژی و رایانه به سر می‌بریم، بخشی از کتابخانه یا اختصاص محلی در مسجد برای آموزش و کاربری رایانه هم مسجد را به مرکزیت حضور جوانان و نوجوانان که عمده‌ی کاربران رایانه و اینترنت هستند، مبدل خواهد شد [۶].

۵-۳- کارکرد تربیتی

وجه تربیتی مسجد معمولاً در پیوند با وجه آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد و هنوز مطالعات مستقل و مستوفی درباره‌ی آن صورت نگرفته است؛ گرچه نمی‌توان این پیوند و نیز پیوند مباحث تربیتی را با وجه عبادی مسجد نادیده گرفت، تردیدی نیست که به هر حال مقوله تربیتی، مقوله‌ای متفاوت با عبادت و آموزش است. مسجد، کانونی برای رشد اخلاق فردی و اجتماعی آحاد جامعه‌ی اسلامی و آشنا شدن آنها با فضائل و رذایل اخلاقی و راه‌های متحلی شدن به فضائل و دوری جستن از رذائل است. فرهنگ‌آفرینی مسجد بر دیگر شئون زندگی شهری نیز اثرگذار بوده است؛ مثلاً در حیط فعالیت‌های اقتصادی و تجاری این نکته قابل توجه است که غالباً در مسیر و راه‌های نزدیک و یا منتهی به مساجد، فعالیت‌های تجاری آمیخته با منکرات مانند بساط مشروب‌فروشی و یا فروش و تعمیرآلات موسیقی دایر نمی‌شده است [۷].

۴. مسجد، مدرسه، خانواده و تربیت اسلامی

۴-۱- مسجد، مدرسه و خانواده

نهادهای تربیتی کشور را می‌توان به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم کرد. تربیت رسمی به شکل قانونی سازمان‌دهی شده و به اعطای مدرک معتبر می‌انجامد. مدرسه مهم‌ترین نهاد تربیت رسمی کودکان و نوجوانان است؛ مسجد و خانواده نیز مهم‌ترین نهاد تربیت غیررسمی تلقی می‌گردد. تربیت رسمی و غیر رسمی در نظام اسلامی هر دو یک هدف را دنبال می‌کنند؛ لذا با توجه به ظرفیت‌های اختصاصی و قوت و ضعف هر یک، لازم است این سه نهاد به مثابه سه ضلع مثلث تربیتی قلمداد گردد و هر یک ضمن تعامل سازنده، یکدیگر را در تحقق غایت و اهداف مشترک یاری کند.

مسجد: مسجد در جامعه اسلامی به عنوان مهم‌ترین نهاد و کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل کرده و نه تنها در بعد تزکیه معنوی، که به عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را

تغذیه می‌کرده است. مسجد در عصر نبوی کانون و محفلی برای تعلیم و آموزش بوده است. حضرت ختمی مرتبت در راستای نگاه آموزشی، تعلیمی و تربیتی، خود به طور مستقیم مباحث آموزشی در مسجد را به عهده می‌گرفتند.

مدرسه: نظام آموزش و پرورش، الگوی کلی نهادها، مؤسسات و سازمان‌های رسمی جامعه است که تحقق هدف‌های چندگانه انتقال میراث فرهنگی و شکوفاسازی آن، پرورش همه جانبه فرد و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص را برعهده دارد.

خانواده: مهم‌ترین و اصلی‌ترین واحد اجتماعی، که از ابتدای حیات تا لحظه مرگ، در تربیت انسان نقش دارد، خانواده است. چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: "مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است؛ پایه اصلی در جامعه است. سلول اصلی در جامعه است... به این معنا اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست". خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و سنگ‌بنای شکل‌گیری جامعه در همه ادیان و فرهنگ‌ها از اهمیت والایی برخوردار است. براین اساس برخی کارکردهای خانواده عبارت است از: ((عامل آرامش و اطمینان، حفظ از گناه و فحشا، عامل افزایش رزق و روزی، استمرار و بقای نسل، کمال و پویایی جامعه، کانون سالم تربیت و آموزش، نیل به پادشاهای عظیم الهی و کمالات انسانی، ارضای حس محبت کردن و مورد محبت واقع شدن، انتقال خالصانه تجربیات و تربیت فرزندان)) [۲].

۲-۴- همکاری مسجد، مدرسه و خانواده در تحقق تربیت اسلامی

ریشه آسیب‌های تربیتی امروز عدم جایابی مسجد، مدرسه و خانواده در منظومه‌ای تربیتی می‌باشد که پیوند این سه پایگاه کلیدی (خانواده به عنوان طبیعی‌ترین پایگاه، مدرسه به عنوان پایگاه آموزش و مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی تربیت اسلامی) گامی بزرگ در انسجام‌بخشی به کنش‌گران تربیتی محله است و می‌توان گفت حرکت تربیتی بدون لحاظ کردن سه‌گانه مسجد، مدرسه و خانواده، حرکتی ناقص خواهد بود. این پدیده به نقش‌آفرینی روحانیت و نیروهای داوطلبانه وابسته است و ماهیتی فعال‌ساز و انسجام‌بخش در میان کنشگران تربیتی دارد.

باید توجه داشت پیوند این سه رکن از آنجا که کاملاً مبتنی بر ظرفیت‌های محله است، براساس الگوی بومی و از پایین به بالا امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، تحقق پیوند حقیقی میان ارکان تربیتی (مسجد، مدرسه و خانواده) به‌رغم تأکید در اسناد بالادستی در کوتاه‌مدت میسر نیست، چرا که این امر با اسلامی‌شدن ساختارهای کشور در بخش آموزش و ... (که همان تحقق دولت اسلامی است) گره خورده است. با اهتمام نسبت به این تعامل، به تبع عنایت و برکت الهی، اصلاح ضعف‌های هر سه نهاد در راستای تحقق اهداف خویش را به دنبال خواهد آورد. علاوه بر آن، بهره‌وری فعالیت‌ها بالا می‌رود و زمینه برای حرکت به سوی دولت اسلامی توسط مردم (به شیوه پایین به بالا) فراهم می‌گردد.

آموزش و پرورش دارای جایگاهی انحصاری در تعلیم و تربیت نیروی انسانی کشور است. این سازمان عریض و طویل، گسترده-ترین ساختار تربیت رسمی کشور می‌باشد و امکانات مالی، انسانی و سخت‌افزاری آن بیشتر با سایر نهادهای فرهنگی کشور است. از سوی دیگر، کودکان و نوجوانان بیش از یک دهه، بخش عمده‌ای از زمان مفید روزانه خود را در این محیط می‌گذرانند. با وجود این ظرفیت‌ها، مدرسه بهترین پایگاهی است که می‌تواند تعامل کودکان و نوجوانان به مسجد را تسهیل و جهت‌دهی نماید.

مسجد، اصیل‌ترین نهاد اسلامی است که توسط پیامبر به عنوان نهادی محوری در تربیت فردی و اجتماعی بنا نهاده شد. هرچند مساجد کنونی با وضع مطلوب فاصله‌ای جدی دارند، اما این نهاد به دلایلی همچنان دارای ظرفیتی بی‌بدیل در عرصه نقش‌آفرینی تربیتی است. این دلایل عبارت است از: "اثر تکوینی مسجد بر تعالی فردی، تأثیر بسیار فعالیت‌های تربیتی مردم-نهاد و غیرانتفاعی مسجدی، حلقه وصل بودن مسجد در پیوند دو بستر تربیتی رسمی و غیررسمی، بهره‌مندی از حضور طلاب دغدغه‌مند حوزه علمیه، ظرفیت بالا در اثرگذاری بر خانواده‌ها و ماهیت انسجام‌بخش و اثرگذار بر نهادهای اجتماعی محله". پیوند با مدرسه و خانواده زمینه‌ای برای ارتقای وضع مساجد را نیز فراهم می‌نماید.

خانواده، اولین، پایدارترین و طبیعی‌ترین نهاد اجتماعی است. جامعه صالح منوط به خانواده صالح است و رشد فرزند از قبل از تولد (وراثت) و بعد از تولد (تأثیر لقمه و نوع تربیت) در خانواده تکوین می‌یابد. اسلام بر خانواده تأکید بسیاری دارد و والدین را نسبت به تربیت فرزند خویش مسئول می‌داند. بدین ترتیب ضرورت تعامل مسجد و مدرسه با خانواده بسیار است و در هر فعالیت تربیتی لازم است جایگاه خانواده لحاظ شود.

مدارس به تبع حضور گسترده دانش‌آموزان از جهت فعالیت‌های تبلیغی و جذب به مسجد، بهترین مکان هستند. علاوه بر آن، امروزه مدرسه و امور تحصیلی به اولویت اول خانواده‌ها تبدیل شده است و می‌توان گفت امروزه هر حرکت تربیتی از سوی مساجد، بدون لحاظ کردن تعامل با مدرسه و خانواده، حرکتی ناقص است. تلاش جهت شناساندن امکانات، اهداف، ظرفیت‌ها، اقتضائات و محدودیت‌ها از سوی مسجد، مدرسه و خانواده به یکدیگر و تلاش جهت نزدیک کردن اهداف و هم‌جهت نمودن رویه‌ها و اقدامات و اشتراک منبع باید مدنظر قرار گیرد.

به تبع افتراق ساختاری نهاد مسجد با مدرسه، شروع تعامل فی‌مابین نیازمند انجام زمینه‌سازی و اعتمادسازی در مسجد، مدرسه و خانواده در حوزه تربیت کودک و نوجوان است. اولاً لازم است اهالی مسجد نسبت به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد آمادگی فرهنگی داشته باشند و مساعدت لازم را انجام دهند. فرهنگ‌سازی رفتار شایسته با کودکان و نوجوانان، اختصاص فضای فیزیکی و مساعدت مالی برای حضور و فعالیت‌شان از جمله اقدامات لازم از سوی مسجد و اهالی آن است. در گام دوم باید در راستای اعتمادسازی، رابطه‌ای حسنه را با مدیر و معلمان مدرسه برقرار و سپس اعتماد خانواده را جلب کرد. تلقی مدیر و کادر مدرسه باید به گونه‌ای شکل بگیرد که اولاً اهداف ایشان در راستا و تسهیل‌کننده تحقق اهداف مدرسه باشد و ثانیاً مربیان تربیتی مساجد به عنوان افراد شایسته و قابل اعتماد برای تعامل در راستای تحقق این اهداف در نظر گرفته شوند. از سوی دیگر خانواده‌ها لازم است کادر تربیتی مسجد را به عنوان همیار تربیتی جهت کمک به آنها در راستای تربیت فرزندانشان محسوب کنند. از سوی دیگر محیط تربیتی سالم و به دور از آفات اخلاقی در جلب اعتماد خانواده‌ها عاملی مهم است. از آن جا که ایشان به امور تحصیلی فرزندان خود اهمیتی بسیار قائل هستند، برگزاری کلاس‌های تقویتی، المپیاد و آمادگی برای آزمون‌های مختلف به عنوان عاملی مهم در جلب اعتماد خانواده‌ها محسوب می‌شود.

به تبع استقرار مفاهیم دینی در وجود دانش‌آموز و استحکام شخصیت او باعث شده که نسبت به محیط اطراف خویش احساس وظیفه کرده و رشد خود را در گرو تأثیر بر دیگران ببیند. او اندک‌اندک به عنصری فعال تبدیل می‌شود که در تلاش است تا لذت زندگی دینی که خود قبلاً چشیده است را به دیگران نیز بچشاند. دانش‌آموز در مدرسه نیز به تدریج به عنصری فعال تبدیل می‌شود؛ او با راهنمایی مربیان مسجد به فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد و بدین صورت به عنوان حلقه وصل مسجد و مدرسه، دانش‌آموزان مستعد مدرسه را به مسجد جذب می‌نماید [۲].

بررسی هدف‌های تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که مهم‌ترین نیازهای هر جامعه، تعلیم و تربیت افرادی است که با اتکا به نیروی اراده و تعقل خویش، منطقی بیندیشند و به جای وابستگی و استفاده از دستاوردهای دیگران، در زمینه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... خود، مولد دانش و فناوری برای زندگی در عصر طلایی باشند. در طول تاریخ، کانون تربیت چنین افرادی در اسلام، مسجد بوده است. با توجه به فراگیر بودن دین مقدس اسلام و دخیل بودن آن در ابعاد گوناگون زندگی انسان، مسئله تعلیم و تربیت در مسجد نیز ابعاد فراوانی به خود می‌گیرد.

نوجوانان و جوانان ما به طور طبیعی، به کارهای نو و افکار جدید علاقمند هستند. آنان شیفته مطالب و مقالات تازه و سبک‌های نوین روزگار خود هستند و به سخنان جدید با کمال دقت گوش می‌دهند و درباره مطالب نو با علاقه فراوان گفت‌وگو می‌کنند. بنابراین، مسجدهای ما باید متحول شوند و پاسخگوی نیازهای روز جوانان باشند. مسجدها باید به امکانات و ابزارهای آموزشی و اطلاع‌رسانی روز دنیا، مانند کامپیوتر، انواع سایت‌های مذهبی و فرهنگی، برنامه‌های آموزشی در رشته‌های مختلف و... مجهز شوند و جاذبه‌های جدید و کافی را برای جذب نوجوانان و جوانان به خود داشته باشند [۸].

رابطه نیک و پسندیده خانواده‌ها با مسجد و مساجد، آن است که حد و مرزی نداشته و دایم و همیشگی باشد و در حقیقت، مسجد خانه‌ای دیگر برای آنان باشد. انسان همیشه باید به خدا توجه داشته باشد و از روی اخلاص و نیت پاک، او را بخواند و

برای این امر در عبادتگاه و به ویژه در مسجد، تأکید بیشتری شده است و این امر در عبادتگاه و به ویژه در مسجد، تأکید بیشتری شده است و این امر نشان‌دهنده لزوم حضور شایسته و بایسته مسلمانان در مساجد است. رابطه خانواده و مدرسه باید مفید و ثمربخش باشد و این رابطه، در صورتی برقرار می‌گردد که انسان با همه وجود خود در مسجد حضور پیدا کند و روح و روان خویش را با عطر معنویت و عبادت مسجد، معطر گرداند و علاوه بر حضور فیزیکی و جسمی، حضور معنوی و باطنی داشته باشد و اندیشه و توجهات او تنها به خدا و خداستایی مشغول باشد و خود را از هر فکر و خیال دنیوی برهاند. خانواده، نهادی اجتماعی و مسجد مکانی است مقدس برای عبادت مسلمانان، این دو پدیده، ارتباطی تنگاتنگ با هم دارند و از یکدیگر متأثر و بهره‌مند می‌شوند. معمولاً هرگاه در ارتباط مسجد و خانواده کاوش می‌شود، رابطه یک سویه خانواده با مسجد بررسی می‌شود، درحالی‌که می‌توان ارتباط بین این دو نهاد مهم را دوجانبه در نظر گرفت و تعامل آن دو و یا تأثیر هریک در دیگری را بررسی کرد [۱].

۵. نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت، یکی از مسائل مهم جوامع بشری است تا آنجا که می‌توان گفت رابطه‌ی مستقیمی میان پیشرفت جوامع و سطح فرهنگ و تربیت نسل وجود دارد. جهت تحقق این مهم لازم است نهادهای تربیتی "مسجد، مدرسه و خانواده"، با یکدیگر همکاری داشته باشند.

مدارس به تبع حضور گسترده دانش‌آموزان از جهت فعالیت‌های تبلیغی و جذب به مسجد، بهترین مکان هستند. علاوه بر آن، امروزه مدرسه و امور تحصیلی به اولویت اول خانواده‌ها تبدیل شده است و می‌توان گفت امروزه هر حرکت تربیتی از سوی مساجد، بدون لحاظ کردن تعامل با مدرسه و خانواده، حرکتی ناقص است. تلاش جهت شناساندن امکانات، اهداف، ظرفیت‌ها، اقتضائات و محدودیت‌ها از سوی مسجد، مدرسه و خانواده به یکدیگر و تلاش جهت نزدیک کردن اهداف و هم‌جهت نمودن رویه‌ها و اقدامات و اشتراک منبع باید مدنظر قرار گیرد.

به تبع افتراق ساختاری نهاد مسجد با مدرسه، شروع تعامل فی‌مابین نیازمند انجام زمینه‌سازی و اعتمادسازی در مسجد، مدرسه و خانواده در حوزه تربیت کودک و نوجوان است. اولاً لازم است اهالی مسجد نسبت به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد آمادگی فرهنگی داشته باشند و مساعدت لازم را انجام دهند. فرهنگ‌سازی رفتار شایسته با کودکان و نوجوانان، اختصاص فضای فیزیکی و مساعدت مالی برای حضور و فعالیت‌شان از جمله اقدامات لازم از سوی مسجد و اهالی آن است. در گام دوم باید در راستای اعتمادسازی، رابطه‌ای حسنه را با مدیر و معلمان مدرسه برقرار و سپس اعتماد خانواده را جلب کرد. تلقی مدیر و کادر مدرسه باید به گونه‌ای شکل بگیرد که اولاً اهداف ایشان در راستا و تسهیل‌کننده تحقق اهداف مدرسه باشد و ثانیاً مربیان تربیتی مساجد دبه عنوان افراد شایسته و قابل اعتماد برای تعامل در راستای تحقق این اهداف در نظر گرفته شوند. از سوی دیگر خانواده‌ها لازم است کادر تربیتی مسجد را به عنوان همیار تربیتی جهت کمک به آنها در راستای تربیت فرزندانشان محسوب کنند.

رابطه خانواده و مدرسه باید مفید و ثمربخش باشد و این رابطه، در صورتی برقرار می‌گردد که انسان با همه وجود خود در مسجد حضور پیدا کند و روح و روان خویش را با عطر معنویت و عبادت مسجد، معطر گرداند و علاوه بر حضور فیزیکی و جسمی، حضور معنوی و باطنی داشته باشد و اندیشه و توجهات او تنها به خدا و خداستایی مشغول باشد و خود را از هر فکر و خیال دنیوی برهاند.

منابع و مراجع

- ۱- کریمی، سید قدرت (۱۳۹۴). نقش مسجد در تربیت فرد و اجتماع. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ص ۵ و ۱۱۷ و ۱۲۲
- ۲- شریف‌فرد، علیرضا؛ لطیفی، میثم؛ ذوالفقاری، محسن (۱۳۹۸). همکاری بین بخشی (مورد مطالعه: همکاری مسجد با مدرسه و خانواده). دوفصلنامه علمی دین و ارتباطات، شماره ۲، ص ۲۷۲-۲۵۴
- ۳- دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، (۱۳۹۳). برگزیده مقالات کتاب‌های فروغ مسجد، نشر: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، قم، شماره ۷-۱، جلد اول، ص ۱۳
- ۴- صدرطباطبایی، فاطمه؛ حسینی، سید موسی (۱۳۸۰). تعریف خانواده از منظر قرآن. پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۷ و ۲۸، ص ۱
- ۵- جعفرزاده، محمدحسن (۱۳۹۳)، مسجد طراز اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری. نشر: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، قم، ص ۵۲ و ۵۴
- ۶- مقدس، زینب (۱۳۹۲). میدان عبودیت (طراحی مسجد با رویکرد اجتماعی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، ص ۲۸ و ۳۳
- ۷- الویری، محسن (۱۳۸۶). مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار. نامه صادق، شماره ۳۱، ص ۹۷
- ۸- محمودی، حسنعلی (۱۳۹۳). مسجد و ضرورت نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت، ص ۵۸۳